

نقد ومراجعة الرضاع الكبير: دراسة مقارنة بين الفقه الإمامي والحنفي

علي فارسي مدان^١

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/٠٧/٠١؛ تاريخ القبول: ١٤٠٢/٠٩/٢٧ - ش]

الملخص

لأحكام المتعلقة بمحرمة الرضاع بين المذاهب الفقهية فروعاً متعددة. تتناول هذه الدراسة، بأسلوب وصفي تحليلي، حكم الرضاع الكبير في فقه الإمامية والحنفي. حاول المؤلف استكشاف هذا الموضوع في مرحلتين: قبل بلوغ السنتين وبعد بلوغها. في فقه الإمامية، الرأي المشهور هو أن الرضاع يجب أن يكون مطلقاً خلال فترة السنتين. يتفق فقهاء الحنفية والمذاهب السنية الأخرى على أن الرضاع في الطفولة يسبب المحرمية، لكن آرائهم تختلف بخصوص مدة سن الرضاع. على الرغم من أن العديد من الفقهاء يتفقون مع فقه الإمامية بخصوص السنتين، فإن فقهاء الإمامية يرون أن المحرمية في الرضاع الكبير غير جائزة. في الفقه الحنفي، يجيز بعض الفقهاء الرضاع تدريجياً لبضعة أشهر بعد السنتين حتى يتم فطام الرضيع، لكن غالبية الفقهاء الحنفيون والسنيون لا يرون جواز الرضاع في سن الكبر، بل استند بعضهم إلى رواية عائشة فقط بخصوص محرمية "سالم" للحكم بالرضاع الكبير. بالرغم من محاولات فقهاء الحنفية والسنة لتوضيح وتبرير ذلك، فإن جميع الأدلة والتحليلات المتعلقة به قابلة للنقاش.

الكلمات المفتاحية: الفقه الإمامية، الفقه الحنفي، المحرمية، الرضاع الكبير.

١. أستاذ مساعد في قسم الحقوق والفقه المقارن، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران a.farsi@urd.ac.ir

نقد و بررسی رضاع کبیر: مطالعه تطبیقی فقه امامیه و حنفی

علی فارسی مدان^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷]

چکیده

محرمیت رضاعی در مذاهب فقهی دارای احکام و فروع مختلفی است. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی، حکم فقهی رضاع کبیر در فقه امامیه و حنفی را بررسی می‌کند. نگارنده کوشیده است این موضوع را در دو مرحله قبل از دوسالگی و بعد از دوسالگی بررسی نماید. در فقه امامیه، قول مشهور آن است که شیرخوردن باید به طور مطلق در مدت دوسالگی باشد. فقیهان حنفی و دیگر مذاهب اهل سنت اتفاق نظر دارند شیرخوردن در کودکی، سبب محرمیت رضاعی می‌گردد؛ اما دیدگاه‌های ایشان درباره مدت سن متفاوت است. با وجود اینکه بسیاری از فقیهان در این موضوع با فقه امامیه در دوسالگی اتفاق نظر دارند، درباره رضاع کبیر، فقیهان امامیه حکم به جایز نبودن محرمیت داده‌اند. در فقه حنفی برخی بعد از دوسالگی تا چندماه اجازه شیرخوردن را داده‌اند تا نوزاد به تدریج از شیر گرفته شود؛ اما بیشتر فقیهان حنفی و اهل سنت، شیرخوردن در سن بزرگسالی را جایز نمی‌دانند، بلکه فقط برخی با استناد به روایت عایشه در مورد محرمیت «سالم» حکم به رضاع کبیر داده‌اند. گرچه فقیهان حنفی و اهل سنت کوشیده‌اند توجیه و جوابی برای آن ذکر کنند، تمامی استدلال‌ها و تحلیل‌های آن خدشه‌پذیر است.

کلیدواژه‌ها: فقه امامیه، فقه حنفی، محرمیت، رضاع کبیر.

۱. استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران a.farsi@urd.ac.ir

مقدمه

یکی از مفاهیم فقهی در مذاهب اسلامی، رضاع کبیر است. این مسئله فقهی مورد پذیرش فقه امامیه نیست و از موارد اختلافی فقه امامیه با برخی از فقیهان اهل سنت است. قول مشهور اهل سنت آن است که شیرخوردن در مدت دوسالگی موجب محرمیت می شود و در این حیث با فقه امامیه موافق است. رضاع کبیر به دو معنا آمده است؛ نخست: شیرخوردن در کودکی از دوسالگی تا سن معین و مشخصی در همان دوران کودکی که نهایت آن تا سه سالگی است؛ دوم: شیرخوردن در سن بلوغ و بزرگسالی که برخی قائل به ایجاد محرمیت رضاعی هستند. منظور از رضاع کبیر در این پژوهش، معنای دوم است، اما به معنای اول نیز توجه خواهد شد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد است به شیوه توصیفی-تحلیلی، موضوع رضاع کبیر را در فقه مقارن با تأکید بر فقه امامیه و حنفی نقد و بررسی کند.

در این موضوع بسیاری از فقیهان اهل سنت با امامیه هم نظر و موافق هستند که محرمیت در سن کودکی ایجاد می شود؛ اما گروهی از اهل سنت با استناد به روایت عایشه، قائل به محرمیت رضاعی در بزرگسالی هستند. در آن روایت سهله همسر ابوحذیفه از پیامبر (ص) درباره حکم شرعی محرمیت فرزندخوانده خود «سالم» پرسید؛ پیامبر فرمود: «أَرْضِعِيهَ خَمْسَ رَضَعَاتٍ؛ فَتَحَرِّمَ بِلَبَنِهَا؛ بِأَشِيرَدَانِ پَنج مرتبه محرم خواهد شد» (ابن انس، ۱۴۲۵هـ، ج ۴، ص ۸۷۴)؛ در نقلی دیگر آمده است: «أَرْضِعِيهَ خَمْسَ رَضَعَاتٍ، فَكَانَ بِمَنْزِلَةِ وَلَدِهِ مِنَ الرِّضَاعَةِ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶هـ، ج ۴۲، ص ۴۳۶).

«سالم» پسر معقل از اهل اصطخر [منطقه ای نزدیک شیراز] و برده ثبیتة دختر یعار است که ابوحذیفه او را آزاد و به فرزندی قبول کرد؛ بدین سبب به او سالم پسر ابوحذیفه هم می گفتند (الهاشمی البصری، ۱۴۱۰هـ، ج ۳، ص ۶۳). «سالم» مولای ابی حذیفه همان کسی است که خلیفه دوم او را بسیار ستایش می کرد و هنگام مرگ آرزو می کرد

که اگر «سالم» زنده می بود، خلافت را بدون شورا به او واگذار می کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۹هـ، ج ۲، ص ۱۵۶). سالم در زمان هجرت مسلمانان از مکه به مدینه، پیش نماز مهاجران بود و از همه آنها بیشتر قرآن می دانست. حتی در قبا پیش از آنکه پیامبر (ص) به مدینه برسد، برای مهاجران پیش نمازی می کرد که عمر بن خطاب هم میان ایشان بود (الهاشمی البصری، ۱۴۱۰هـ، ج ۳، ص ۶۴).

فقیهان امامیه و اهل سنت درباره محرمیت رضاعی مباحثی را طرح کرده اند؛ حتی پژوهشگران برخی از فروع فقهی مرتبط با بحث را به نگارش درآورده اند که می توان به این موارد اشاره کرد: مقاله «حکم فقهی کمیت شیر در اثبات محرمیت رضاعی در دیدگاه فریقین» (۱۴۰۲)، مقاله «بررسی جواز یا عدم جواز نکاح برادر نسبی مرتضع با خواهر رضاعی» (۱۴۰۱) و مقاله «بررسی تحقق رضاع با شیردهی از بانک شیر» (۱۳۹۷). اما هیچ یک از این آثار به موضوع فقهی رضاع کبیر و نقد و بررسی آن از دیدگاه فقه امامیه و فقه حنفی نپرداخته است؛ بنابراین مقاله حاضر از این بُعد با دیگر آثار مکتوب متفاوت است.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. رضاع

«رضاع» از ریشه رضع در معانی مکیدن پستان و نوشیدن (فراهیدی، ۱۴۰۹هـ، ج ۱، ص ۲۷۰)، نوشیدن شیر از پستان (ابن فارس، ۱۴۰۴هـ، ج ۲، ص ۴۰۰)، کودک را شیر داد و شیر می دهد (راغب، ۱۴۱۲هـ، ص ۳۵۵) به کار رفته است. مفهوم لغوی رضاع در فقه مقارن نیز مورد توجه قرار گرفته است. رضاع در فقه شیعه دارای معانی مختلفی همچون نوشیدن از شیر (مازندرانی خاتون آبادی، ۱۴۱۱هـ، ج ۱، ص ۲۰۴)، نوشیدن شیر یا مکیدن ناشی از

نوشیدن (نجفی، ۱۴۲۲هـ، ص ۲۶)، نوشیدن شیر به وسیله مکیدن از پستان (بجنوردی، ۱۴۱۹هـ، ج ۴، ص ۳۷۶) است. بنابراین رضاع به این معناست که شیر زن در معده طفل ریخته شود یا شیر زن که غالباً از راه مکیدن است، به شکم نوزاد از طریق دهان یا دماغ وارد شود (محمود، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۵۳). در فقه حنفی نیز به معناشناسی رضاع پرداخته شده است که معانی ای همچون مکیدن پستان (التمر تاشی، ۱۴۲۸هـ، ج ۴، ص ۳۸۶) و نوشیدن شیر از پستان (طهماز، ۱۴۲۰هـ، ج ۲، ص ۱۵۳) برای آن ارائه گردیده است.

فقیهان شیعه برای معنای اصطلاحی رضاع، تعابیر و تعاریف مختلفی به کار برده‌اند. برخی رضاع محرم را به این معنا می‌دانند که در مدت دو سال شیر زنی را بخورد و بیشتر از دو سال نباشد؛ زیرا شرط آن استمرار شیر خوردن تا دو سال است (نجفی، ۱۴۲۲هـ، ص ۵۹). برخی دیگر محرمیت رضاعی را در شیر کامل خوردن می‌دانند، به طوری که شکم کودک از شیر پر و سیر شود (بجنوردی، ۱۴۱۹هـ، ج ۴، ص ۳۴۵). جامع‌ترین تعریف، عبارت محقق خویی است که می‌گوید: «رضاع به شیردادن مستمری گفته می‌شود که با تحقق تعداد و شرایط آن، موجب محرمیت می‌شود» (خویی، ۱۴۱۷هـ، ص ۱۰۷).

۲-۲. فطام

«فطام» از فطم در اصل دلالت بر قطع کردن چیزی از چیزی می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴هـ، ج ۴، ص ۵۱۰) و به معنای قطع کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ، ج ۱۲، ص ۴۵۴؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴هـ، ج ۱۷، ص ۵۳۸) است که در اصطلاح لغتی به معنای از شیر گرفتن است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴هـ، ج ۹، ص ۱۹۵؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴هـ، ج ۱۷، ص ۵۳۸). معنای اصطلاح فقهی در کلام امام صادق (ع) آمده است: «الْحَوْلَانِ اللَّذَانِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: فطام

به معنای دوسالی است که خداوند در قرآن کریم (بقره ۲: ۲۳۳) فرمود: «کلینی، ۱۴۲۹هـ، ج ۱۰، ص ۸۸۵). شیخ صدوق در تفسیر روایت نبوی «لَا رَضَاعَ بَعْدَ فِطَامٍ» می‌گوید: «اگر بچه دوسال تمام از شیرزنی خورد، سپس از شیرزن دیگری ارتضاع نماید، شیر دوم موجب نشر حرمت نمی‌شود؛ زیرا شیرخوردن بعد از فطام است» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳هـ، ج ۳، ص ۴۷۶)؛ یعنی بر اساس قرآن کریم، کودک شیرخوار دوسال کامل شیر بخورد.

یکی از فقیهان معاصر برای روایت نبوی «لا رضاع بعد فطام» دو احتمال را بیان دارد؛ نخست: منظور حرمت تکلیفی رضاع بعد از فطام است؛ بر اساس این احتمال روایت می‌گوید بعد از دوسال یا بعد از اینکه از شیر گرفته شد، دیگر مجاز نیست شیر بخورد.

دوم: ناظر به حکم وضعی باشد؛ یعنی رضاع موجود و محقق، بدون اثر است. سپس می‌گوید عرف حکم می‌کند روایت را بر حکم وضعی حمل می‌کنیم؛ چون رضاع بعد از دوسال حکم عدم بود و بدون اثر است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹هـ، ج ۱۵، ۴۸۴۶ - ۴۸۴۷).

علامه طباطبایی با بیان روایت امام صادق (ع)، فطام را به معنای از شیر گرفتن آورده است (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ، ج ۲، ص ۲۵۶).

۲-۳. فصال

یکی از واژگان مترادف با فطام، کلمه «فصال» است که هر دو یک معنا را می‌دهد (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ، ج ۱۱، ص ۵۲۲؛ طریحی، ۱۳۷۵هـ.ش، ج ۵، ص ۴۴۱؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴هـ، ج ۸، ص ۱۴۷). راغب می‌گوید: «الْفِصَالُ: التَّفْرِيقُ بَيْنَ الصَّبِيِّ وَالرَّضَاعِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ، ص ۶۳۸)؛ در اینجا فصال را به معنای جدا کردن کودک و بریدن او از شیر خوردن گرفته است. در قرآن کریم نیز کلمه فصال بیان شده است (بقره ۲: ۲۳۳؛

لقمان ۳۱: ۱۳) که مفسران شیعه (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۱، ص ۱۱۱؛ طوسی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۵۹) و اهل تسنن (اندلسی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۲، ص ۵۰۷؛ سمرقندی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۵۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ هـ، ج ۱، ص ۵۴۱) فصال را به معنای فطام بیان کرده‌اند.

۳. حکم فقهی رضاع کبیر

۳-۱. فقه امامیه

حکم مشهور میان فقیهان امامیه، عدم جواز شیرخوردن پس از دوسالگی و ایجاد محرمیت بعد از آن است؛ حتی به صراحت بیان داشته‌اند شیرخوردن بعد از دوسالگی اعتبار شرعی ندارد و موجب محرمیت رضاعی نمی‌شود (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ هـ، ج ۱۱، ص ۱۴۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳ هـ، ج ۲۵؛ ص ۱۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۲۳، ص ۳۶۳)، حتی اگر ادامه شیرخوردن [بعد از دوسالگی] به مقدار یک یا دوماه [یعنی: زمان اندک] باشد (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۲۳، ص ۳۶۳؛ نراقی، ۱۴۱۵ هـ، ج ۱۶، ص ۲۵۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۲۹، ص ۲۹۶). برخی از زعمای شیعه همچون شیخ طوسی در النهایة (طوسی، ۱۴۰۰ هـ، ص ۴۶۱)، محقق حلی در نکت النهایة (محقق حلی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۳۰۴) و علامه حلی در مختلف الشیعة (علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۷، ص ۳۶) به صراحت می‌گویند کودک بعد از دوسالگی اعم از اینکه از شیرخوردن بگیرند یا نگیرند [قبل از فطام یا بعد از فطام] یا شیر اندک یا زیاد بخورد، فرقی در عدم محرمیت نمی‌کند و باید در مدت دوسالگی شیر بخورد تا محرمیت رضاعی اثر کند؛ چنان‌که بر اساس آیه شریفه (بقره ۲: ۲۳۳) مدت محرمیت رضاعی در دوسال کامل تعیین شده است (سبزواری، ۱۴۱۳ هـ، ج ۲۵، ص ۱۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۲۳، ص ۳۶۳).

دلایل دیدگاه مشهور و برگزیده

دلیل نخست: روایات

روایات فراوانی در کتب اربعه روایی شیعه مانند کافی (کلینی، ۱۴۲۹هـ، ج ۱۰، ص ۸۸۴)، من لا یحضره الفقیه (شیخ صدوق، ۱۴۱۳هـ، ج ۳، ص ۴۷۶)، تهذیب الأحکام (طوسی، ۱۴۰۷هـ، ج ۷، ص ۳۱۸) و الإستبصار فیما اختلف من الأخبار (طوسی، ۱۳۹۰هـ، ش، ج ۳، ص ۱۹۷ - ۱۹۸) وارد شده است که محرمیت رضاعی را در دوسالگی بیان کرده‌اند و بعد از آن محرمیت اثبات نمی‌شود؛ بنابراین از فقیهان شیعه کسی حکم به محرمیت رضاعی بعد از دوسالگی نداده است (مفید، ۱۴۱۳هـ، ص ۵۰۳).

دلیل دوم: اجماع

مؤلف مستند الشیعة بر این مطلب ادعای اجماع کرده است (نراقی، ۱۴۱۵هـ، ج ۱۶، ص ۲۵۰) که با مراجعه به برخی از کتب فقهی همچون الخلاف (طوسی، ۱۴۰۷هـ، ج ۵، ص ۹۸)، مختلف الشیعة (علامه حلی، ۱۴۱۳هـ، ج ۷، ص ۳۷)، ایضاح الفوائد (فخرالمحققین، ۱۳۸۷هـ، ش، ج ۳، ص ۴۸)، جامع المقاصد (محقق کرکی، ۱۴۱۴هـ، ج ۱۲، ص ۲۲۱)، جواهر الکلام (نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۲۹، ص ۲۹۶) و مهذب الأحکام (سبزواری، ۱۴۱۳هـ، ج ۲۵، ص ۱۶) این دلیل به دست می‌آید.

دلیل سوم: اصل

منظور از اصل (سبزواری، ۱۴۱۳هـ، ج ۲۵، ص ۱۶)، اصالة الحلیة است که بعد از دوسال شیر خوردن یا شیر دادن، محرمیت به وجود نمی‌آید.

پرسشی که مطرح می شود این است که آیا می توان استصحاب جاری کرد؟ یعنی بچه اگر قبل از دو سال شیر می خورد، محرمیت رضاعی به دست می آمد؛ پس بعد از دو سال نیز همان حکم و حالت قبلی (یعنی محرمیت رضاعی) باقی است. در جواب گفته می شود استصحاب در شبهه حکمیه جاری نمی شود. در اینجا نیز حکمی نیست و فقط یک «اگر» وجود دارد که امر ذهنی اعتباری است؛ پس این استصحاب تعلیقی است و استصحاب تعلیقی یعنی موضوع استصحاب مرکب از دو چیز است (قید و مقید یا شرط و مشروط)، یک جزء که بچه باشد، حاصل است و شیرخوارگی که جزء دوم است، حاصل نیست و با «اگر» که امر ذهنی اعتباری است می خواهیم آن را درست کنیم؛ بنابراین استصحاب در اینجا جاری نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۳، ص ۲۴ - ۲۵).

۳-۲. فقه حنفی

دیدگاه های فقهی حنفی و دیگر مذاهب فقهی اهل سنت نشان می دهد برخی از فقیهان، محدثان و مفسران اهل سنت حکم به جواز شیرخوردن بعد از دو سالگی داده اند که موجب محرمیت رضاعی می شود؛ البته مدت سن ارضاع نیز متفاوت است. بر این اساس بحث را در دو مقام «سن کودکی» و «سن بزرگسالی» بررسی خواهیم کرد.

۳-۱. سن کودکی

برخی از فقیهان اهل سنت به ویژه حنفی ها قائل اند در سن کودکی بعد از دو سالگی تا سن معین و مشخصی می توان به نوزاد شیر داد تا محرمیت رضاعی حاصل شود. سه قول به فقه حنفی نسبت داده شده است که عبارت اند از:

الف) ۲/۵ سالگی: این قول منتسب به فقه حنفی است و در منابع مختلف مدت سن شیرخوردن تا دوسال ونیم ذکر کرده اند (ابن حجاج، ۱۴۱۲هـ، ج ۲، ص ۱۰۷۶؛ دارمی، ۱۴۲۱هـ، ج ۳، ص ۱۴۴۹؛ طهماز، ۱۴۲۰هـ، ج ۲، ص ۷۲ - ۱۵۳). از فقیهان حنفی، ابوحنیفه و تمرتاشی قائل به این فتوا هستند و به آیه شریفه «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ» (احقاف ۴۶: ۱۵) استناد کرده اند (طهماز، ۱۴۲۰هـ، ج ۲، ص ۷۲ - ۱۵۳؛ التمرتاشی، ۱۴۲۸هـ، ج ۴، ص ۳۸۶ - ۳۸۷). از مفسران حنفی، مؤلف تفسیر روح البیان ذیل آیه شریفه «احقاف ۴۶: ۱۵» این قول را منتسب به فقه حنفی و فتوای ابوحنیفه می داند و در توجیه آیه «حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (بقره ۲: ۲۳۳) که بیان کننده محرمیت رضاعی در دوسالگی است، آن را حمل بر مدت استحقاق اجرت کرده است؛ یعنی پدر تا دوسال می تواند اجرت شیردادن را پردازد و بعد از آن تکلیف و وظیفه ای برای پرداخت اجرت ندارد (حقی بروسوی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۶۳).

ب) ۲/۶ سالگی: برخی دیگر از فقیهان اهل سنت برای ابوحنیفه قول «دوسال و شش ماه (سی ماه)» را بیان کرده اند (ر.ک: ابن حزم، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۱۸ - ۱۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴هـ، ج ۱۰، ص ۶۰۱۳). در احکام القرآن آمده است که ابوحنیفه اصل مدت سن ارتضاع را دوسال می داند و بعد از آن شش ماه می تواند شیر بدهد؛ یعنی مجموع شیردادن، دوسال و شش ماه است و بعد از این مدت محرمیت رضاعی ثابت نمی شود (جصاص، ۱۴۰۵هـ، ج ۲، ص ۱۱۴). منابع دیگر تفسیری همچون مفاتیح الغیب (فخر رازی، ۱۴۲۰هـ، ج ۶، ص ۴۵۹)، تفسیر روح البیان (حقی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۶۳) و التفسیر المنیر (الزحیلی، ۱۴۱۸هـ، ج ۲، ص ۳۶۴) این قول را برای ابوحنیفه ذکر کرده اند. همچنین از نعمان نقل شده است که ایشان نیز این قول را می پذیرد و می گوید بعد از دوسال تا شش ماه می تواند شیر دهد و محرمیت حاصل شود (القرطبی، ۱۳۶۴هـ، ج ۳، ص ۱۶۲).

ج) سه سالگی: زفر بن الهذیل از فقیهان حنفی قائل است تا سه سالگی می‌توان به نوزاد شیر داد. این قول در منابع روایی همچون سنن الدارمی (دارمی، ۱۴۲۱ هـ، ج ۳، ص ۱۴۴۹) و منابع تفسیری اهل سنت چون تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر، ۱۴۱۹ هـ، ج ۱، ص ۴۷۸)، التفسیر المنیر (الزحیلی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲، ص ۳۶۴)، احکام القرآن (جصاص، ۱۴۰۵ هـ، ج ۲، ص ۱۱۴) و جواهر الحسان (ثعالبی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۱، ص ۴۶۶) بیان شده است. نکته قابل تأمل آن است که مؤلف المحلی، قول سن ۲/۲ سالگی را به مذهب مالکی نسبت داده است (ابن حزم، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۱۹). بر این اساس مالکیه می‌گوید مدت سن شیردادن، دو سال و دو ماه است، اما از باب احتیاط شش ماه اضافه شیر می‌دهد تا محرمیت به دست آید (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹ هـ، ج ۴، ص ۳۲۳). مستند این فتوا، روایتی از مالک است که سن ارتضاع را دو سال و چند روز بیان می‌کند (دارمی، ۱۴۲۱ هـ، ج ۳، ص ۱۴۴۹)؛ اما تعداد ایام آن را مشخص نمی‌کند که با جستجو در یکی از منابع تفسیری مالکی منظور از ایام دقیق مشخص شد. مؤلف الجامع لأحكام القرآن از ولید بن مسلم نقل می‌کند که بعد از دو سالگی کودک، یک یا دو یا سه ماه می‌تواند شیر دهد و محرمیت رضاعی حاصل می‌شود؛ اما بعد از این مدت شیردادن عبث و بیهوده است [و اثری در محرمیت ندارد] (قرطبی، ۱۳۶۴ هـ، ج ۳، ص ۱۶۲).

بررسی

درباره این اقوال ملاحظاتی وجود دارد:

نخست: اقوال بیان شده از طرف فقیهان و مفسران اهل سنت، نقد شده و به آن جواب داده‌اند؛ به گونه‌ای که موجب تشتت و اختلاف آرا شده است. صاحب کتاب المحلی به نوعی اعتراض خود را بیان می‌دارد و می‌گوید: «ما نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم فردی را غیر از

مالک و ابوحنیفه و زفر این سه قول را گفته باشد، فقط این افراد و مقلدان و پیروان ایشان به این اقوال عمل می‌کنند و از فتنه به خداوند پناه می‌بریم» (ابن حزم، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۱۹).
 دوم: برخی از فقیهان حنفی این قول را قبول ندارند و قائل‌اند با توجه به آیه شریفه «حولین کاملین» (بقره ۲: ۲۳۳) بعد از اتمام دوسالگی محرمیت حاصل نمی‌شود (ابن نجیم، ۱۴۱۸ هـ، ج ۳، ص ۳۸۹)؛ از این رو به صراحت فتواداده‌اند در سن کودکی محرمیت حاصل می‌شود؛ به همین دلیل باید تا دوسالگی شیر داد، زیرا رویدن گوشت در این مدت است (الکاسانی الحنفی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۴، ص ۸).

سوم: با رجوع به دیگر فقیهان و مفسران اهل سنت مشخص شد قول مشهور با توجه به آیه شریفه (البقرة ۲: ۲۳۲) میان اهل سنت در مورد سن ارتضاع، دوسالگی است (دارمی، ۱۴۲۱ هـ، ج ۳، ص ۱۴۴۹) و بعد از دوسالگی، محرمیت رضاعی ایجاد نمی‌شود (ابن انس، ۱۴۲۵ هـ، ج ۴، ص ۸۷۲ - ۸۷۶؛ ابن قدامه، ۱۴۲۳ هـ، ص ۷۴۹)؛ حتی اگر بعد از دوسالگی، شیر به مقدار کم و برای لحظه‌ای باشد، محرمیت ثابت نمی‌شود (الحجاوی، ۱۴۲۳ هـ، ج ۴، ص ۳۱). بسیاری از اصحاب و فقیهان اهل سنت این قول را پذیرفته‌اند (ابن حزم، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۱۹)؛ حتی در فتح الباری به قول سی‌ماه (دوسال و شش‌ماه) جواب می‌دهد که این تأویل و استدلال به آیه غریب است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۱۰، ص ۶۰۱۳). قرطبی نیز در تفسیر خود بعد از بیان اقوال مختلف، قول دوسالگی را صحیح می‌داند که موجب محرمیت می‌شود و به آیه شریفه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (بقره ۲: ۲۳۳) استناد می‌کند (قرطبی، ۱۳۶۴ هـ، ج ۳، ص ۱۶۲؛ الزحیلی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲، ص ۳۶۴).

البته توجیهی در فتح الباری نقل شده که اصل بر آن است مدت شرعی محرمیت رضاعی تا دوسالگی باشد؛ اما از آنجاکه کودکان متفاوت هستند و به شیر خوردن عادت

دارند، نمی‌توان یک دفعه از شیر گرفت، بلکه باید به تدریج و در مدت زمانی این کار را انجام داد. فقیهان اهل سنت در آن مدت زمان اختلاف نظر دارند؛ برخی نصف سال (شش ماه)، برخی دوماه، برخی یک ماه، برخی یک ماه و نیم و برخی چند روز گفته‌اند تا در این زمان کودک شیر بخورد و از شیر خوردن گرفته شود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴هـ، ج ۱۰، ص ۶۰۱۳). به نظر می‌رسد این توجیه نادرست باشد؛ زیرا در عرف برای شیر گرفتن کودک مدت مشخص و معین نمی‌شود، بلکه کودک را تا دوسالگی به تدریج از شیر خوردن باز می‌دارند تا به شیر نخوردن عادت کند.

بنابراین دلایل و استدلال فقیهان حنفی در اینجا ناتمام است؛ زیرا با استدلال به آیه شریفه حکم به محرمیت رضاعی تا دوسالگی کرد، گرچه طبق نظر و دلایل ایشان نباید از سه سالگی تجاوز کرد؛ به عبارت دیگر فقیهان حنفی از دو تا سه سالگی مجوز شیر دادن داده‌اند.

۳-۲-۲. سن بزرگسالی

یکی از فتوای بحث برانگیز در مذاهب اسلامی، رضاع کبیر است که آیا در سن بلوغ و بزرگسالی محرمیت رضاعی ایجاد می‌شود؟ با جستجو در منابع فقهی، روایی و تفسیری مذاهب اسلامی روشن شد فقه امامیه، سن ارتضاع را تا دوسالگی معتبر شرعی می‌داند و بعد از آن محرمیت رضاعی ایجاد نمی‌شود. در این مسئله بسیاری از فقیهان حنفی با امامیه هم‌نظر و موافق هستند و قائل‌اند محرمیت در سن کودکی (الکاسانی، ۱۴۱۷هـ، ج ۴، ص ۶؛ القرضاوی، ۱۴۲۴هـ، ج ۳، ص ۳۲۷) و تا دوسالگی (قرطبی، ۱۴۳۱هـ، ج ۴، ص ۹۵) ایجاد می‌شود.

معتقدان به این قول داود، اهل ظاهر [یعنی: اخباریون عامه (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ، ج ۳، ص ۲۴)]، عایشه و بسیاری از فقیهان دیگر همچون ابن مسعود، ابن عمر، ابی هریره،

ابن عباس و زنان پیامبر (ص) (قرطبی، ۱۴۳۱هـ، ج ۴، ص ۹۵ - ۹۶)، ام سلمه (القرضاوی، ۱۴۲۴هـ، ج ۳، ص ۳۲۷)، لیث و عطاء (ابن عبدالبر النمیری القرطبی، ۱۴۲۷هـ، ج ۶، ص ۲۵۵)، ابن حزم (ابن حزم، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۱۹؛ سابق، ۱۴۲۶هـ، ج ۲، ص ۵۴)، علی و عروہ بن زبیر (سابق، ۱۴۲۶هـ، ج ۲، ص ۵۴) هستند.

قائلان به رضاع کبیر به دلایلی استناد کرده اند که در ادامه بیان می شود.

دلیل نخست: قرآن کریم

ظاهر آیه «أُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» (نساء ۴: ۲۳) دلالت بر ایجاد محرمیت دارد و بین سن کودکی و بزرگی فرقی نیست؛ زیرا آیه اطلاق دارد و مقید به وقت و سن نشده است (الزحیلی، ۱۴۳۱هـ، ج ۸، ص ۱۴۶).

بررسی

چهار ملاحظه درباره این دلیل وجود دارد:

الف) مؤلف بدائع الصنائع از فقیهان حنفی می گوید در بزرگسالی، محرمیت حاصل نمی شود (الکاسانی، ۱۴۱۷هـ، ج ۴، ص ۶).

ب) شافعی از مذاهب دیگر اهل سنت در الام می گوید فرق بین کبیر و صغیر در قرآن بیان شده است و طبق آیه شریفه (بقره ۲: ۲۳۳) خداوند محرمیت رضاعی را تا دوسالگی قرار داده است (الشافعی، ۱۴۲۶هـ، ج ۱، ص ۱۶۹۳).

ج) مفسران اهل سنت نیز گفته اند آیه اقتضا دارد در کودکی و بزرگی محرمیت رضاعی ایجاد می شود، مگر اینکه این اطلاق با شریفه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ

لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتِمَّ الرِّضَاعَةَ» (بقره ۲: ۲۳۳) تقیید گردد و وقت آن معین شود که مدت شیر خوردن تا دو سالگی است (ابن عربی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۷۵؛ سائیس، [بی تا]، ص ۲۵۵).
 د) جواب دیگر آن است که اطلاق آیه به وسیله روایت تفسیر می شود؛ زیرا منظور از آیه، اثبات و ایجاد محرمیت رضاعی در بزرگسالی نیست (رضاع کبیر)، بلکه محرمیت به وسیله رفع گرسنگی و رویاندن گوشت حاصل می شود و آن زمانی است که معده پر شود (نسائی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۳، ص ۳۰۰). این حالت و توصیف در کودکی اتفاق می افتد، نه در بزرگسالی (الکاسانی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۴، ص ۷).

دلیل دوم: روایات

روایت اول: روایتی را عایشه از پیامبر (ص) نقل می کند که سهله بنت سهیل [همسر ابوحنظله] خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت سالم به خانه ما رفت و آمد می کند، تکلیف [شرعی محرمیت] چیست؟ پیامبر فرمود: «به او شیر بده تا محرم گردد» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ هـ، ج ۴۲، ص ۴۳۴؛ ابن حجاج، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۰۷۶؛ نسائی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۱، ص ۳۰۳ - ۳۰۴). در این روایت اشاره ای به تعداد دفعاتی که موجب محرمیت می شود، نشده است، بلکه در روایت دیگری نقل شده است پیامبر (ص) در جواب سهله فرمود: «پنج مرتبه شیر بده تا محرم شود» (ابن انس، ۱۴۲۵ هـ، ج ۴، ص ۸۷۴؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ هـ، ج ۴۲، ص ۴۳۵؛ ابوداود، ۱۴۲۰ هـ، ج ۲، ص ۸۸۱؛ نسائی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۳، ص ۲۹۸). از آنجاکه سالم فردی بزرگسال و دارای ریش بود (الهاشمی البصری، ۱۴۱۰ هـ، ج ۳، ص ۶۳)، پیامبر فرمود سهله او را شیر بدهد تا ناراحتی ابوحنظله برطرف شود (ابن حجاج، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۰۷۸؛ نسائی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۳، ص ۳۰۵).

استدلال

روایت دلالت بر آن دارد که شیرخوردن در سن کودکی و بزرگی موجب محرمیت رضاعی می‌شود (الکاسانی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۴، ص ۷؛ الزحیلی، ۱۴۳۱ هـ، ج ۸، ص ۱۴۵). عایشه بر اساس این فتوا، به این روایت حتی بعد از وفات پیامبر (ص) عمل می‌کرد (الکاسانی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۴، ص ۷؛ الزحیلی، ۱۴۳۱ هـ، ج ۸، ص ۱۴۵؛ ابن عبدالبر النمیری القرطبی، ۱۴۲۷ هـ، ج ۶، ص ۲۵۳) و به برادرزادگان و خواهرزادگان دستور می‌داد هر کسی که علاقه به دیدار با عایشه داشت، به او پنج مرتبه شیر بدهند (القرضاوی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۳، ص ۳۲۸). این عمل عایشه به بیان مختلف در کتاب‌های اهل سنت وارد شده است (ر.ک: الشافعی، ۱۴۲۶ هـ، ج ۱، ص ۱۶۹۲؛ ابن حزم، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۱۹؛ الکاسانی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۴، ص ۷؛ الزحیلی، ۱۴۳۱ هـ، ج ۸، ص ۱۴۶).
 روایت دوم: با استناد به حدیث «إِنَّمَا الرِّضَاعَةُ مِنَ الْمَجَاعَةِ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ هـ، ج ۴۱، ص ۵۱۸؛ ابن حجاج، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۰۷۸) می‌گویند این دلایل برای بیان نفقه زن شیردهنده است که بر پدر واجب است تا نفقه آن را بپردازد (الزحیلی، ۱۴۳۱ هـ، ج ۸، ص ۱۴۶).

بررسی

ملاحظات در این دلیل و استدلال به نظر می‌رسد:

الف) در فقه حنفی در ادامه این ادله، به روایاتی استناد شده است که زمان ایجاد محرمیت رضاعی، دوران طفولیت و کودکی است و در زمان بزرگسالی محرمیت ایجاد نمی‌شود (الکاسانی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۴، ص ۷).

ب) حتی دیگر فقیهان اهل سنت نیز به این فتوا اعتماد ندارند و به آن عمل نمی‌کنند (الغریانی، ۱۴۲۳ هـ، ج ۳، ص ۱۴۴) که می‌توان به عمر بن خطاب، علی بن ابی‌طالب، عبدالله

بن مسعود، عبدالله بن عمر، ابی هریره، ابن عباس و زنان پیامبر (ص) (غیر از عایشه) اشاره نمود (الغریانی، ۱۴۲۳ هـ، ج ۳، ص ۱۴۴؛ ابن عبدالبر النمیری القرطبی، ۱۴۲۷ هـ، ج ۶، ص ۲۵۶).
(ج) عالمان و فقیهان اهل سنت بر مدت محرمیت رضاعی اتفاق دارند (الغریانی، ۱۴۲۳ هـ، ج ۳، ص ۱۴۴؛ الزحیلی، ۱۴۳۱ هـ، ج ۸، ص ۱۴۴) که باید تا دوسالگی باشد (قرطبی، ۱۴۳۱ هـ، ج ۴، ص ۹۵) و بعد از آن مدت، محرمیت ثابت نمی شود (ابن قدامه المقدسی، ۱۴۲۳ هـ، ص ۷۴۹). بنابراین بزرگان اهل سنت همچون مالک، ابوحنیفه، شافعی و بسیاری از فقیهان قائل اندند محرمیت در بزرگسالی ایجاد نمی شود و رضاع کبیر را قبول ندارند (قرطبی، ۱۴۳۱ هـ، ج ۴، ص ۹۵).

(د) برخی برای روایت عایشه توجیه‌هایی بیان کرده‌اند:

- این روایت فقط برای خود سالم است (ر.ک: الشافعی، ۱۴۲۶ هـ، ج ۱، ص ۱۶۹۳؛ الزحیلی، ۱۴۳۱ هـ، ج ۸، ص ۱۴۶)؛ چنان‌که در منابع معتبر روایی اهل سنت نقل شده است زنان پیامبر مخالفت می‌کردند از اینکه مرد نامحرم با رضاع کبیر بتواند بر ایشان وارد شود و به عایشه گفتند به خدا قسم، این اجازه پیامبر فقط مخصوص سالم بود و هرگز مردی با رضاع بر ما وارد نشد (ر.ک: ابن حنبل، ۱۴۱۶ هـ، ج ۴۴، ص ۲۶۴؛ ابن حجاج، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۰۷۸؛ نسائی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۳، ص ۳۰۴).

- توجیه دیگر آن است که شاید اول شیر را دوشیده و بعد نوشیده است، بدون تماس با پستان زن و پوست یکدیگر (ابن حجاج، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۰۷۶)؛ سپس صاحب صحیح مسلم می‌گوید این سخن خوب است و احتمال دارد برای احتیاج تماس با بدن زن معفو باشد؛ یعنی مجاز باشد، چنان‌که رضاع بزرگسال مجاز شمرده شد (ابن حجاج، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۰۷۶).

- توجیه عجیبی در فقه السنه بیان شده است که نویسنده می‌گوید حدیث «سهله» نه منسوخ است، نه مخصوص و نه عام برای هر کس، بلکه رخصتی برای ضرورت و نیاز برای کسی که ناچار است نزد زنی برود و برای آن زن سخت باشد که خود را از او بپوشاند؛ همان‌گونه که برای سالم و سهله، زن ابوحنیفه پیش می‌آمد. در این حال اگر فرد بزرگسال شیر خورده باشد، مؤثر است و موجب تحریم می‌شود؛ اما در غیر این حالت تأثیر ندارد مگر اینکه در کوچکی و بچگی شیر خورده باشد. نظر ابن تیمیه نیز چنین است (سابق، ۱۴۲۶هـ، ج ۲، ص ۵۴).

بررسی توجیه روایت عایشه

شافعی در جواب این دلیل یعنی اختصاص روایت به سالم، می‌گوید اگر حکم خاص را از حکم خارج کنیم، جایز نیست رضاع کبیر محرمیت‌آور باشد و در جایی که اختلاف محرمیت رضاعی بین صغیر و کبیر باشد، با شیردادن محرمیت ایجاد نمی‌شود (الشافعی، ۱۴۲۶هـ، ج ۱، ص ۱۶۹۳).

ه) در این بحث روایاتی وجود دارد که مخالف این فتواست؛ از جمله در الاستذکار وارد شده است محرمیت رضاعی با برطرف شدن گرسنگی است و روییدن گوشت با شیر خوردن است (ابن عبدالبر النمری القرطبی، ۱۴۲۷هـ، ج ۶، ص ۲۵۶) و برخی از فقیهان (ابن عبدالبر النمری القرطبی، ۱۴۲۷هـ، ج ۶، ص ۲۵۶؛ طهماز، ۱۴۲۰هـ، ج ۲، ص ۱۵۴) روایتی را نقل کرده‌اند که مردی نزد عایشه نشسته بود و پیامبر (ص) وارد شد و با دیدن آن مرد، رنگش تغییر کرد [زیرا از دیدن این حالت ناخشنود شد] عایشه گفت این برادر رضاعی من است. پیامبر فرمود: «با برادران رضاعی خود ملاقات کنید، هر آینه شیرخوارگی که گرسنگی را برطرف نماید، مؤثر است» (بخاری، ۱۴۱۰هـ، ج ۴، ص ۳۶۰ و ج ۸، ص ۱۴۲؛ ابوداود، ۱۴۲۰هـ،

ج ۲، ص ۸۷۹). تعبیر «من المجاعه» در روایت، یعنی شیرخوارگی که با آن حرمت ثابت و خلوت حلال می‌شود، آن است که شیرخوار طفل باشد و برای جلوگیری از گرسنگی او به وی شیر داده می‌شود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۱۰، ص ۶۰۱۵؛ طهماز، ۱۴۲۰ هـ، ج ۲، ص ۱۵۴)؛ همچنین خلیفه دوم در مورد رضاع کبیر گفته است محرمیت رضاعی در سن کودکی حاصل می‌شود (ابن انس، ۱۴۲۵ هـ، ج ۴، ص ۸۷۵).

و) مفسران اهل سنت نیز این فتوا را شاذ و نادر (جصاص، ۱۴۰۵ هـ، ج ۲، ص ۱۱۴) و منتفی دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ هـ، ج ۳، ص ۱۶۳) که محرمیت تا دو سالگی ایجاد می‌شود (بغوی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۱، ص ۳۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ هـ، ج ۲، ص ۱۸۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴ هـ، ج ۳، ص ۱۶۲). صاحب مجمع البیان نیز بیان می‌کند فقیهان شیعه می‌گویند رضاع در صورتی مؤثر است که در مدت دو سال شیرخوردن طفل انجام شود؛ چنان‌که شافعی، ابو یوسف و محمد نیز بر همین عقیده‌اند. ابوحنیفه مدت رضاع را دو سال و نیم و مالک دو سال و یک ماه ذکر کرده‌اند. فقیهان اهل سنت اتفاق کرده‌اند که شیردادن بچه بزرگ، بی‌اثر است و موجب محرمیت نمی‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲ هـ، ج ۳، ص ۴۷). بنابراین محرمیت تا دو سالگی ایجاد می‌شود (ابن عبدالبر النمری القرطبی، ۱۴۲۷ هـ، ج ۶، ص ۲۵۷) و بیشتر فقیهان اهل سنت این نظر را قبول دارند و برخی از فقیهان اهل سنت قائل به محرمیت رضاع کبیر هستند که مخالفان فراوانی از جانب محدثان و فقیهان اهل سنت دارد.

صدیدگاه برگزیده

فقیهان امامیه درباره رضاع کبیر، حکم به جایز نبودن محرمیت داده‌اند. در فقه حنفی بیشتر فقیهان و نیز فقیهان دیگر مذاهب اهل سنت، شیرخوردن در سن بزرگسالی را جایز نمی‌دانند. البته برخی با استناد به روایت عایشه درباره محرمیت سالم، حکم به رضاع کبیر

داده‌اند. با وجود اینکه فقیهان حنفی و اهل سنت کوشیده‌اند توجیه و جواب برای آن بیان کنند، تمامی استدلال‌ها و تحلیل‌های آنان خدشه‌پذیر است.

نتیجه

یکی از مفاهیم فقهی در مذاهب اسلامی، رضاع کبیر است؛ یعنی آیا شیرخوردن در سن بزرگسالی موجب محرمیت رضاعی می‌شود؟ این مسئله فقهی مورد قبول و پذیرش فقه امامیه نیست؛ قول مشهور اهل سنت آن است که شیرخوردن در مدت دوسالگی موجب محرمیت می‌شود و در این قول با فقه امامیه موافق است. شیرخوردن کودک پیش از دوسالگی در دیدگاه فقه مقارن متفاوت است:

الف) در فقه امامیه شیرخوردنی که موجب محرمیت می‌شود، باید تا دوسالگی باشد.

ب) در فقه اهل سنت اتفاق نظر دارند که شیرخوردن در کودکی باعث محرمیت رضاعی می‌گردد و بر دوسالگی تأکید دارند، اما در قیود آن اختلاف نظر دارند.

درباره شیرخوردن پس از دوسالگی (رضاع کبیر)، هیچ‌کدام از فقیهان امامیه حکم به جواز آن نداده‌اند؛ حتی به صراحت بیان داشته‌اند شیرخوردن بعد از دوسالگی اعتبار شرعی ندارد و موجب محرمیت رضاعی نمی‌شود. در فقه اهل سنت برخی حکم به جواز شیرخوردن بعد از دوسالگی تا چند ماه داده‌اند؛ برای مثال عایشه به رضاع کبیر عمل می‌کرد تا جایی که اگر دوست داشت کسی بر او وارد شود و مسئله نامحرمی حل گردد، دستور می‌داد به خواهر و برادرزاده‌های خود که او را شیر بدهند تا خواهرزاده یا برادرزاده رضاعی او به شمار آیند. بر این اساس برخی با استناد به روایت عایشه در مورد محرمیت رضاعی سالم با همسر ابوحذیفه، حکم به محرمیت رضاعی داده‌اند که خود اهل سنت آن را قبول ندارند و جواب داده‌اند.

کتاب نامه

قرآن کریم

ابن اثیر، عزالدین أبوالحسن علی بن محمد. (۱۴۰۹ هـ). أسد الغابة فی معرفة الصحابة. بیروت: دار الفکر.

ابن انس، مالک. (۱۴۲۵ هـ). موطأ الإمام مالک. ج ۱. ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخيرية و الإنسانية.

ابن حجاج، مسلم. (۱۴۱۲ هـ). صحیح مسلم. ج ۱. قاهره: دار الحديث.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۲۴ هـ). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: المکتبه العصریه.

ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد. [بی تا]. المحلی. تحقیق: لجنة احیاء التراث العربی. بیروت: دار الجیل.

ابن حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۱۶ ق). مسند الإمام أحمد بن حنبل. ج ۱. بیروت: مؤسسة الرسالة.

ابن عبد البر النمري القرطبی، ابی عمر یوسف بن عبدالله. (۱۴۲۷ هـ). الاستذکار ج ۲. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر. [بی تا]. احکام القرآن. نرم افزار جامع تفاسیر.

ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ هـ). معجم مقاییس اللغة. ج ۱. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن قدامه المقدسی، موفق الدین عبدالله. (۱۴۲۳ هـ). الکافی فی فقه الامام احمد بن حنبل. ج ۱. بیروت: دار ابن حزم.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ هـ). تفسیر القرآن العظیم. ج ۱. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ هـ). لسان العرب. ج ۳. بیروت: دار الفکر - دار صادر.

ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم. (١٤١٨ هـ). البحر الرائق شرح كنز الدقائق و الشرح البحر الرائق. ج ١. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابوداود، سلیمان بن اشعث. (١٤٢٠ ق). سنن أبی داود. ج ١. قاهره: دار الحديث.

احمدوند، خلیل الله و الهام زمانی. (١٤٠١ هـ.ش). «بررسی جواز یا عدم جواز نکاح برادر نسبی مرتضع با خواهر رضاعی»؛ تحقیقات حقوق قضایی. ش ٥.

آلوسی، سید محمود. (١٤١٥ هـ). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. ج ١. بیروت: دار الکتب العلمیه.

اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف. (١٤٢٠ هـ). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.

بحرانی، یوسف بن احمد. (١٤٠٥ هـ). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. ج ١. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (١٤١٠ هـ). صحیح البخاری. ج ٢. قاهره: جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة.

بغوی، حسین بن مسعود. (١٤٢٠ هـ). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. ج ١. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

التمرتاشی، شمس الدین. (١٤٢٨ هـ). رد المحتار علی الدر المختار: حاشیه ابن عابدين علی شرح الشیخ علاء الدین محمد بن علی الحصکفی. ج ٢. بیروت: دار المعرفه.

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (١٤١٨ هـ). جواهر الحسان فی تفسیر القرآن. تحقیق: شیخ محمد علی معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود. ج ١. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (١٤٢٢ هـ). الکشف و البیان عن تفسیر القرآن. ج ١. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جزیری، عبدالرحمن، سید محمد غروی و یاسر مازح. (١٤١٩ هـ). الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت (ع). ج ١. بیروت: دار الثقلین.

جصاص، احمد بن علی. (۱۴۰۵ هـ). احکام القرآن. تحقیق: محمد صادق قمحاوی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

الحجاوی، موسی بن احمد. (۱۴۲۳ هـ). الاقناع لطالب الانتفاع. چ ۲. ریاض: داره الملك عبدالعزيز.
حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ هـ). تاج العروس من جواهر القاموس. چ ۱. بیروت: دار الفکر.
حقی بروسوی، اسماعیل. [بی تا]. تفسیر روح البیان. بیروت: دار الفکر.
خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۷ هـ). أحكام الرضاع فی فقه الشیعة. چ ۱. [بی جا]: المنیر للطباعة والنشر.
دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن. (۱۴۲۱ هـ). مسند الدارمی (سنن الدارمی). چ ۱. ریاض: دار المغنی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ هـ). مفردات ألفاظ القرآن. چ ۱. دمشق: دار القلم - الدار الشامیة.

الزحیلی، وهبة. (۱۴۱۸ هـ). التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج. چ ۲. بیروت: دار الفکر المعاصر.

_____. (۱۴۳۱ هـ). موسوعة الفقه الاسلامی و القضايا المعاصرة. دمشق: دار الفکر.

سابق، السید. (۱۴۲۶ هـ). فقه السنه. بیروت: المكتبة العصریه.

سایس، محمد علی. [بی تا]. تفسیر آیات الاحکام. نرم افزار جامع تفسیر.

سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ هـ). مهذب الأحكام. چ ۴. قم: مؤسسه المنار.

سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد. [بی تا]. بحر العلوم. نرم افزار جامع تفاسیر.

الشافعی، امام محمد بن ادريس. (۱۴۲۶ هـ). الام. چ ۱. بیروت: دار ابن حزم.

شبییری زنجانی، سید موسی. (۱۴۱۹ هـ). کتاب نکاح. چ ۱. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.

شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ هـ). من لا یحضره الفقیه. چ ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ هـ). المحيط فی اللغة. چ ۱. بیروت: عالم الکتاب.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ هـ). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
طباطبایی حائری، سید علی. (۱۴۱۸ هـ). ریاض المسائل. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ هـ.ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. با مقدمه محمد جواد بلاغی.
چ ۳. تهران: ناصر خسرو.

طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ هـ.ش). مجمع البحرین. چ ۳. تهران: مرتضوی.
طهماز، عبدالحمید محمود. (۱۴۲۰ هـ). الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید. چ ۱. دمشق: دار القلم.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ هـ.ش). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. چ ۱. تهران: دار
الکتب الإسلامی.

..... (۱۴۰۰ هـ). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. چ ۲. بیروت: دار الکتب العربی.

..... (۱۴۰۷ هـ). الخلاف. چ ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

..... (۱۴۰۷ هـ). تهذیب الأحکام. چ ۴. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

..... [بی تا]. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عبدالرحمان، محمود. [بی تا]. معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة. [بی جا]: [بی نا].

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ هـ). مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة. چ ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

الغریانی، الصادق عبدالرحمن. (۱۴۲۳ هـ). مدونه الفقه المالکی و ادلته. بیروت: مؤسسه الریان.

فارسی مدان، علی. (۱۴۰۲ هـ.ش). «حکم فقهی کمیت شیر در اثبات محرمیت رضاعی در دیدگاه

فریقین». پژوهش های فقهی. دوره ۹. ش ۲.

فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ هـ). مفاتیح الغیب. چ ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ هـ.ش). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات

القواعد. چ ۱. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ هـ). کتاب العین. ج ۲. قم: هجرت.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۸ هـ). الأصفی فی تفسیر القرآن. ج ۱. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- القرضاوی، یوسف. (۱۴۲۴ هـ). من ھدی الاسلام فتاوی معاصره. ج ۱. بیروت: المکتب الاسلامی.
- القرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ هـ.ش). الجامع لأحكام القرآن. ج ۱. تهران: ناصر خسرو.
- _____ (۱۴۳۱ هـ). بداية المجتهد و نهاية المقتصد. ج ۱. تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ هـ). کافی. ج ۱. قم: دار الحديث.
- الکاسانی الحنفی، علاءالدین ابی بکر بن مسعود. (۱۴۱۷ هـ). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. ج ۱. بیروت: دار الفکر.
- مازندرانی خاتون آبادی، (محمد) اسماعیل خواجهائی. (۱۴۱۱ هـ). الرسائل الفقہیة. ج ۱. قم: دار الكتاب الإسلامی.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۱۲ هـ). نکت النہایة. ج ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ هـ). جامع المقاصد فی شرح القواعد. ج ۲. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ هـ). المقنعة. ج ۱. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ هـ). کتاب النکاح. ج ۱. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقابزرگ. (۱۴۱۹ هـ). القواعد الفقہیة. ج ۱. قم: نشر الہادی.
- میرزاخان، حامد. (۱۳۹۷ هـ.ش). «بررسی تحقق رضاع با شیردهی از بانک شیر». فقه و اجتهاد. ش ۹.
- نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر. (۱۴۲۲ هـ). أنوار الفقاهة - کتاب الإجارة. ج ۱. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.

نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ هـ). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ج ۷. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ هـ). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت (ع).

نسائی، احمد بن علی. (۱۴۱۱ هـ). السنن الکبری. ج ۱. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

الهاشمی البصری، محمد بن سعد. (۱۴۱۰ هـ). الطبقات الکبری. تحقیق: محمد عبد القادر عطا. ج ۱. بیروت: دار الکتب العلمیة.